

درس فارغ فقه مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

موضوع کلی: فصل فی أحكام الجبائر

موضوع جزئی: وضوی جبیره‌ای

سال تحصیلی: ۹۸-۹۹

تاریخ: ۲۹ بهمن ۱۳۹۸

مصادف با: ۲۳ جمادی الثانی ۱۴۴۱

جلسه: ۳۳

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

مرحوم سید (ره) در ادامه نوشته است: «و إن كان فی موضع المسح و لم یمكن المسح علیه كذلك یجب وضع خرقة طاهرة و المسح علیها بنداوة، و إن لم یمكن سقط و ضمّ إلیه التیمم»^۱.

به نظر مرحوم سید (ره)، اگر زخم و جراحت در موضع مسح باشد و امکان مسح کشیدن بر آن [بشره] نباشد، واجب است که یک پارچه پاکی بر روی موضع جراحت گذاشته شود و با رطوبت بر آن پارچه پاک مسح شود و اگر مسح بر پارچه پاک نیز ممکن نباشد، مسح ساقط است و تیمم به آن وضوی بدون مسح ضمیمه می‌شود.

دلیل حکم مذکور، مبنی بر وجوب مسح بر پارچه پاک روایاتی است که در این زمینه وارد شده است که روایت ذیل از آن جمله است:

صحیحه عبدالأعلى: عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى مَوْلَى آلِ سَامٍ؛ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): عَثَرْتُ فَأَنْقَطَعَ ظُفْرِي فَجَعَلْتُ عَلَى إِصْبَعِي مَرَارَةً، فَكَيْفَ أَصْنَعُ بِالْوُضوءِ؟ قَالَ: «يُعْرِفُ هَذَا وَ أَشْبَاهُهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ؛ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: "مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ" اَمْسَحْ عَلَيْهِ»^۲.

نکته: گاهی، جبیره قبل از وضو بر موضع مسح قرار داشته است و گاهی، زمانی که شخص می‌خواهد وضو بگیرد، جبیره بر آن می‌گذارد و قبل از آن جبیره نبوده است.

مرحوم آیت الله حکیم (ره) در دلالت روایت مذکور بر لزوم مسح بر پارچه پاک [در فرضی که مسح بر محل زخم و جراحت ممکن نباشد] اشکال کرده است و فرموده است که این روایت به موردی مربوط است که از قبل جبیره در محل مسح وجود داشته باشد و فرض مورد بحث را که شخص در هنگام وضو جبیره و پارچه بر محل مسح بگذارد و بر آن مسح کند، شامل نمی‌شود.

اما در پاسخ از کلام مرحوم آیت الله حکیم (ره) عرض می‌شود که مقتضای روایت صحیحه عبد الأعلى، کفایت مسح بر جبیره‌ای است که شخص در فرض تعذر از مسح بر محل جراحت، روی جراحت قرار داده است، اما اینکه آن جبیره از قبل روی جراحت باشد یا در هنگام وضوگرفتن روی زخم و جراحت گذاشته شده باشد از روایت فهمیده نمی‌شود و روایت متعرض این مطلب نشده است. بنابراین، اطلاق روایت، مسح بر جبیره‌ای که در هنگام وضوگرفتن بر محل زخم و جراحت گذاشته شده باشد را نیز شامل می‌شود.

۱. سید محمدکاظم، طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۵۶.

۲. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۳۹، ص ۴۶۴، ح ۵.

مرحوم سید (ره) فرموده است که اگر امکان گذاشتن پارچه پاک بر محل مسحی که جراحت دارد، نباشد، مسح ساقط است و شخص باید به وضوی ناقص [بدون مسح]، تیمم را نیز ضمیمه کند.

دلیل حکم مذکور، این است که مکلف به آنچه می‌تواند عمل می‌کند و لذا وقتی چیزی مقدور مکلف نباشد از عهده او ساقط است. خداوند فرموده است: «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا...»^۱. لذا شخص به آن مقداری که توانایی انجام آن را دارد، مکلف است بنابراین، در فرض مورد بحث که شخص نه می‌تواند بر روی جراحت مسح کند و نه امکان دارد پارچه پاک روی آن بگذارد و بر آن مسح کند، مسح از او ساقط است و شخص وضوی بدون مسح می‌گیرد و تیمم نیز به آن ضمیمه می‌کند.

عده‌ای گفته‌اند که در فرض مذکور، وضوی بدون مسح مثل این است که اصلاً شخص وضو نگرفته است چون در این صورت شخص فاقد طهارت مائیه است و وظیفه‌اش به طهارت ترابیه که تیمم است منتقل می‌شود، لکن مرحوم سید (ره) احتیاط کرده است و از باب قاعده اشتغال [الإشتغال اليقینی يستدعي البرائة اليقينية] فرموده است که در فرض مذکور، شخص بین وضوی ناقص بدون مسح و تیمم جمع می‌کند لذا وضوی بدون مسح می‌گیرد و علاوه بر آن تیمم نیز انجام می‌دهد.

نظر مختار نیز این است که بعید نیست که همان‌طور که مرحوم سید (ره) فرموده است، وظیفه شخص این باشد که هم وضوی بدون مسح بگیرد و هم تیمم انجام بدهد.

مرحوم سید (ره) در ادامه نوشته است: «و إن كان مجبوراً وجب غسل أطرافه مع مراعاة الشرائط و المسح على الجبيرة إن كانت طاهرة أو أمكن تطهيرها و إن كان في موضع الغسل»^۲.

به نظر مرحوم سید (ره)، اگر زخم و جراحت به جبیره تبدیل شده باشد، واجب است که با مراعات شرائط، اطراف آن را بشوید و اگر جبیره پاک بود یا تطهیر آن ممکن بود [آن را تطهیر کند و] بر آن مسح کند، هرچند که آن جبیره در موضع غسل باشد [البته در صورتی که جبیره در موضع غسل باشد و شخص بخواهد روی آن را مسح کند باید رطوبت بیشتری در دستی که با آن مسح می‌کند، باشد چون این مسح بدل از غسل است].

دلیل وجوب غسل اطراف جبیره، مقتضای روایاتی است که قبلاً نیز به آنها اشاره شد که روایات ذیل از آن جمله‌اند:

روایت اول: روایت حلبی: عَنْ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ تَكُونُ بِهِ الْقَرْحَةُ فِي ذِرَاعِهِ أَوْ نَحْوِ ذَلِكَ مِنْ مَوَاضِعِ الْوُضُوءِ فَيَعْبِثُهَا بِالْخِرْقَةِ وَ يَتَوَضَّأُ وَ يَمْسَحُ عَلَيْهَا إِذَا تَوَضَّأَ فَقَالَ: «إِنْ كَانَ يُؤْذِيهِ الْمَاءُ فَلْيَمْسَحْ عَلَى الْخِرْقَةِ وَ إِنْ كَانَ لَا يُؤْذِيهِ الْمَاءُ فَلْيَنْزِعِ الْخِرْقَةَ ثُمَّ لْيَغْسِلْهَا» قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الْجُرْحِ كَيْفَ أَصْنَعُ بِهِ فِي غَسْلِهِ؟ قَالَ: «اغْسِلْ مَا حَوْلَهُ»^۳.

روایت دوم: روایت عبدالله بن سنان: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْجُرْحِ كَيْفَ يَصْنَعُ صَاحِبُهُ؟ قَالَ: «يَغْسِلُ مَا حَوْلَهُ»^۴.

۱. «البقرة»: ۲۸۶.

۲. سید محمدکاظم، طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۵۷.

۳. شیخ حر عاملی، وisanال الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۳۹، ص ۴۶۳، ح ۲.

۴. همان، ص ۴۶۴، ح ۳.

روایت سوم: روایت عبدالرحمن بن حجاج: عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ؛ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرُّضَا (ع) عَنْ الْكَسِيرِ تَكُونُ عَلَيْهِ الْجَبَائِرُ أَوْ تَكُونُ بِهِ الْجِرَاحَةُ كَيْفَ يَصْنَعُ بِالْوُضُوءِ؟ وَعِنْدَ غُسْلِ الْجَنَابَةِ وَغُسْلِ الْجُمُعَةِ؟ فَقَالَ: «يَغْسِلُ مَا وَصَلَ إِلَيْهِ الْغَسْلُ مِمَّا ظَهَرَ مِمَّا لَيْسَ عَلَيْهِ الْجَبَائِرُ وَيَدَعُ مَا سِوَى ذَلِكَ مِمَّا لَا يَسْتَطِيعُ غَسْلَهُ وَلَا يَنْزِعُ الْجَبَائِرَ وَلَا يَعْبَثُ بِجِرَاحَتِهِ»^۱.

دلیل وجوب مسح بر جبیره در فرض مذکور، اجماع و نصوصی است که در این رابطه وارد شده‌اند که روایات ذیل از آن جمله‌اند:

روایت اول: روایت کلب اسدی: عَنْ كَلْبِ بْنِ الْأَسَدِيِّ؛ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ الرَّجُلِ إِذَا كَانَ كَسِيرًا كَيْفَ يَصْنَعُ بِالصَّلَاةِ؟ قَالَ: «إِنْ كَانَ يَتَخَوَّفُ عَلَى نَفْسِهِ فَلْيَمْسَحْ عَلَى جَبَائِرِهِ وَلْيُصَلِّ»^۲.

روایت دوم: روایت وشاء: عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوُشَاءِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا (ع)؛ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الدَّوَاءِ يَكُونُ عَلَى يَدِ الرَّجُلِ: أَيْ جُزِيهِ أَنْ يَمْسَحَ فِي الْوُضُوءِ عَلَى الدَّوَاءِ الْمَطْلِيِّ عَلَيْهِ؟ فَقَالَ: «نَعَمْ يَمْسَحُ عَلَيْهِ وَيُجْزِيهِ»^۳.

همچنین، اطلاق ادله شامل مسح بر جبیره می‌شود، هرچند آن جبیره در محل غسل باشد.

مرحوم سید (ره) در ادامه نوشته است: «و الظاهر عدم تعین المسح حينئذ، فيجوز الغسل أيضاً»^۴.

به نظر مرحوم سید (ره)، ظاهر این است که [در فرضی که جراحت به جبیره تبدیل شده و در موضع غسل باشد،] مسح متعین نیست، پس جایز است که غسل نیز انجام شود [و منظور از غسل، غسلی است که دون غسل و فوق مسح است].

«الحمد لله رب العالمين»

۱. همان، ص ۴۶۳، ح ۱.

۲. همان، ص ۴۶۵، ح ۸.

۳. همان، ص ۴۶۶، ح ۱۰.

۴. سید محمدکاظم، طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۵۷.